

تلخیص فصل اول تا هفتم کتاب دشمن شناسی

(مجموعه بیانات مقام معظم رهبری امام خامنه ای (حفظه الله تعالی))

فصل اول: تعاریف

● دشمن کیست؟

❖ دشمن ما آن کسی است که: "قد بدت البغضا من اموالهم و ما تخفیف صدورهم اکبر". دشمن ما آن کسی است که برای این انقلاب نه فقط دل نسوزانده است بلکه حتی در مقابل این انقلاب در برهه هایی از زمان شاید ایستاده است. بعضیشان در مقابل انقلاب در زمان رژیم پهلوی ایستادند؛ بعضیشان بعد از آنکه نظام اسلامی بر سر کار آمد، خرابکاری کردند؛ بعضیشان مدتی را ترسیدند، کنار رفتند و خود را مخفی کردند؛ بعد که حالا فرصتی برایشان پیش آمده از لاک خود بیرون خزیده اند! خیال میکنند که فرصتی هست. (۲۶/۹/۱۳۷۸)

❖ جبهه ی دشمن غیر از آن ادم غافلی است که خودی هم هست، منتها بیچاره دچار غفلت و اشتباه و فریب می شود، بر اثر حادثه ای، عقده و کینه ای پیدا میکند و در مقابل نظام می ایستد. (۲۶/۹/۱۳۷۸)

❖ حضرت ایت الله العظمی خامنه ای دو نوع دشمن را مورد شناسایی قرار داده اند: «ما دو دشمن داریم: یک دشمن، دشمن درونی است؛ یک دشمن، دشمن بیرونی است». از دیدگاه ایشان دشمن درونی؛ «خصلتهای بدی است که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم. تنبلی، نشاط کار نداشتن، ناامیدی، خودخواهی های افراطی، بدبین بودن به دیگران، بدبین بودن به آینده، نداشتن اعتماد به خود- اینها بیماری است. اگر این دشمن های درونی در ما وجود داشته باشد، کار ما مشکل می شود. همیشه دشمنان بیرونی ملت ایران سعی کرده اند این میکروبها را در درون جامعه ی ایرانی رسوخ دهند: «شما نمیتوانید»، «شما قادر نیستید»، «آینده تان تاریک است»، «افقتان تیره است»، «بیچاره شدید»، «پدرتان درآمد... اگر ملتی این بیماریها را داشته باشد این ملت پیشرفتش ممکن نیست. اینها مثل موریانه ای که در درون پایه ی بنا بیفتد بنا را ویران میکند؛ مثل کرمی است که داخل میوه قرار بگیرد میوه را فاسد میکند باید با این صفات مبارزه کرد. از منظر معظم له دشمن درونی از دشمن بیرونی خطرناکتر است.

❖ رهبر معظم انقلاب دشمن بیرونی را «نظام سلطه بین المللی» یا «استکبار جهانی» می دانند: «استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه گران و سلطه پذیران تقسیم میکند. اگر ملتی بخواهد در مقابل سلطه گران از منافع خود دفاع کند، سلطه گران با آن ملت دشمنی میکنند؛ روی آن فشار می آورند و سعی میکنند مقاومت او را بشکنند» امروز مظهر این دشمنی عبارت است از شبکه صهیونیسم جهانی و دولت کنونی ایالات متحده ی آمریکا. (۱/فروردین/۸۶).

❖ در مقابل امام و راه امام می ایستد این، آن دشمن اصلی نیست، این یک ادم فریب خورده است، این یک ادم قابل ترحم هست، دشمن اصلی آن کسی است که پشت سر این قرار میگیرد، اما خودش را نشان نمیدهد. در داخل کشور خودش را نشان نمیدهد؛ در خارج کشور چرا؛ در جبهه ی جهانی، در جبهه ی بین المللی، بعنوان یک عضو وفادار سازمان جاسوسی سیای آمریکا، یا موساد صهیونیستها چرا. (۲۶/۹/۱۳۷۸)

❖ دشمن اسلام کیست؟ جبهه ی استکبار، از صهیونیسم تا آمریکا، تا کمپانیهای نفتی، تا قلم به مزدان روشنفکرانی که برای آنها کار میکنند، در سر تا سر جهان مجهزند. هیچ وقت جبهه ی مقابل اسلام، اینقدر به همه ی ابزارها مجهز نبوده است. دنیای اسلام در مقابل دشمن اسلام و مسلمین، با این دو خصوصیت قرار دارد مجهز بودن بیش از همیشه و حساسیت نسبت به اسلام بیش از همیشه. این دشمن چه کار خواهد کرد؟ (۲۴/۵/۱۳۷۴)

❖ جهاد یعنی مبارزه. در زبان فارسی، جنگ و ستیزه گری معنای مبارزه را نمیدهد. مبارزه یعنی تلاش پرنیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن. اگر هیچ مانعی در مقابل انسان نباشد، مبارزه وجود ندارد. در جاده ی اسفالته، انسان پایش را روی. از بگذارد و با یک پر از بنزین سفر کند؛ این را مبارزه نمی گویند. مبارزه آنجایی است که انسان با مانعی برخورد کند، که این مانع در جبهه های انسانی، میشود دشمن؛ و در جبهه های طبیعی، میشود موانع طبیعی. اگر انسان با این موانع درگیر شود و سعی کند آنها را از میان بر دارد، این میشود مبارزه. جهاد در زبان عربی عینا به همین معناست؛ یعنی مبارزه. جهاد در قرآن و حدیث هم به همین معناست. (۲۰/۸/۱۳۸۳)

فصل دوم: ضرورت شناخت دشمن

❖ دو خطر عمده اسلام را تهدید میکند که یکی خطر دشمنان خارجی و دیگری خطر اضمحلال داخلی است. دشمن خارجی یعنی کسی که از بیرون مرزها، با انواع سلاحها، موجودیت یک نظام را با فکرش و دستگاه زیر بنایی عقیدتی اش و قوانینش و همه چیزش هدف قرار میدهد که شما در مورد جمهوری اسلامی این را به چشم دیدید. از بیرون یعنی چه؟ نه از بیرون کشور بیرون نظام؛ و لو در داخل کشور.

❖ دشمن و افت دوم اضمحلال درونی است یعنی در درون نظام که این مال غریبه ها نیست این مال خویشیهاست. خودیها ممکن است در یک نظام بر اثر خستگی بر اثر اشتباه در فهم راه درست بر اثر مغلوب احساسات نفسانی شدن و بر اثر نگاه کردن به جلوه های مادی و بزرگ انگاشتن آنها ناگهان در درون دچار افت زدگی شوند. این البته خاطرش بیشتر از خطر اولی است. این دو نوع دشمن افت برونی و افت درونی برای هر نظامی، برای هر تشکیلاتی و برای هر پدیده ای وجود دارد. اسلام برای مقابله با هر دو افت، علاج، معین کرده، و جهاد را گذاشته است. جهاد مخصوص دشمنان خارجی نیست. "جاهد الکفار والمنافقین" منافق خودش را در درون نظام قرار میدهد. لذا با همه ی اینها باید جهاد کرد. جهاد، برای دشمنی است که میخواهد از روی بی اعتقادی و دشمنی با نظام به آن هجوم بیاورد. [بیانورد]

❖ همه این را امروز فهمیده اند و دانسته اند که مراجعه ی استکبار با نظام جمهوری اسلامی، دیگر از نوع مواجهه ی دهه ی اول انقلاب نیست. اولویت استکبار در مواجهه ی با نظام اسلامی نیست، اولویت آن چیزی است که امروز به آن میگویند جنگ نرم، یعنی جنگ به وسیله ابزارهای فرهنگی، به وسیله نفوذ، به وسیله دروغ، به وسیله شایعه پراکنی، با ابزارهای پیشرفته ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود، امروز گسترش پیدا کرده. جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دلها و ذهنهای مردم.

❖ یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند، بددل کنند، اختلاف ایجاد کنند، یک بهانه ای پیدا کنند، با این بهانه بین مردم ایجاد اختلاف کنند. بعد در میانه عناصر دست آموز مغرض معاند را به کارهای خلاف وادار کنند و مسئولین کشور نتوانند تشخیص بدهند کی بود چی بود چی شد.

● شیوه دشمنی

❖ همه کارهای ما یک نوع مبارزه است. زندگی میدان مبارزه است. شما در خانه ی خودتان هم که نشسته باشید، مجبورید چالشی را بر خودتان تحمیل کنید تا بتوانید تنفس کنید و ادامه ی حیات دهید. مبارزه ها فرق میکند، کوچک و بزرگش فرق میکند، شخصی و عمومی اش فرق میکند، جهت گیری انسانی و ضد انسانی اش فرق میکند، همه در حال مبارزه اند. اینکه گفته اند "ان ما الحياه عقیده و جهاد" یک واقعیت است. انسان راهی را انتخاب میکند و در آن راه مشغول چالش و مبارزه میشود. زندگی این است. این مبارزه علیه کیست؟ فلش این مبارزه را به سمت چه کسی باید قرار داد و جهت مبارزه کدام است؟ (۱۹/۱۱/۱۳۷۹)

❖ بنده به ملت ایران مکرر عرض کرده‌ام؛ که مهمتر از شناختن دشمن، شناختن دشمنی و روش دشمنی کردن اوست. اگر انسان بداند دشمن از چه راهی وارد میشود، حواس خود را جمع خواهد کرد. همه، دشمن را میشناسند. امروز دشمن ملت ایران و دشمن استقلال و آزادی او، دولت استکباری و متکبر امریکا است. در این شکی نیست؛ به این موضوع، خودشان هم اعتراف میکنند. البته گاهی چاپلوسانه و ریاکارانه میگویند ما با ملت ایران مخالف نیستیم؛ اما اتفاقاً مخالفت اصلی آنها با ملت ایران است؛ چون ملت ایران است که این قیام عظیم را به راه انداخت؛ ملت ایران است که این پشتیبانی صادقانه و غیرتمندانه را از اسلام میکند؛ ملت ایران است که موجب شده امریکا نتواند طمع بورزد؛ و الا اگر ملت ایران پشتیبان نظام و مسؤولان نبود، مگر مسؤولان میتوانند در مقابل این زیاده‌خواهیها بایستند؟ ما این دشمن را میشناسیم؛ اما روش دشمنی را هم باید شناخت. امروز روش دشمنی، ایجاد اختلاف و نفرت و کینه میان آحاد مردم است؛ ایجاد دلسردی نسبت به آرمانهای اسلامی است؛ منحرف کردن شعارهای مردم و طرح شعارهایی است که با حرکت عظیم مردم هیچ همخوانی ندارد. (۱/۹/۱۳۸۱)

❖ شنیدم که بعضی از افراد جناحهای مختلف گفته بودند که امروز دشمن اصلی ما، جناح مقابل ماست! خطای بزرگی در جامعه است که در مجموعه‌ای که همه معتقد به اسلام و انقلاب و نظام اسلامیان، یک جناح، دشمن اصلی خود را جناح مقابل بداند. این خیلی تأسفار است. اگر این حرف قائم به ذهن یک نفر یا ده نفر یا صد نفر باشد، آدم

<https://jostar.kowsarblog.ir>

میگوید به جهنم! بگذار آن طور خیال کنند؛ اما اگر این به صورت یک فرهنگ درآید و در ذهن مجموعه‌ای از مردم جا بگیرد، چیز خیلی خطرناکی خواهد شد. (۱/۱۱/۱۳۸۱)

✽ امروز جنگ نظامی با ما خیلی محتمل نیست - نمیگوئیم بکلی منتفی است، اما خیلی محتمل نیست - لکن جنگی که وجود دارد، از جنگ نظامی اگر خطرش بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته میشود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند؛ به سراغ ایمانها، معرفتها، عزمها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور؛ دشمن به سراغ اینها می‌آید که اینها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند؛ فرصتهای یک نظام را به تهدید تبدیل کند. این کارهائی است که دارند میکنند؛ در این کار تجربه هم دارند، تلاش هم زیاد دارند میکنند، ابزار فراوانی هم در اختیارشان هست. باید ابعاد دشمن و ابعاد دشمنی را بدانیم تا بتوانیم بر او فاتق بیائیم. البته ما مدد الهی داریم، کمک غیبی داریم بدون شک؛ این را انسان دارد مشاهده میکند؛ لکن ما مدامی که هوشیارانه، آگاهانه در میدان نباشیم، تدبیر لازم را به کار نبریم، کمک الهی به سراغ ما نخواهد آمد. (۲/۷/۱۳۸۸)

✽ نظام جمهوری اسلامی به طبیعت خود، نظامی وابسته‌ی به علمای دین است؛ و علمای دین، هم از این حیث که در پدید آوردن این نظام سهم او فر را داشته‌اند؛ و هم از این جهت که مردم درباره‌ی نظام به آنها مراجعه میکنند؛ و هم از این جهت که خود از جهات مختلف و در مشاغل مختلف، در نظام مسؤولند؛ لذا علمای دین و حوزه‌های علمیه باید از وضعیت و موجودیت نظام، آن‌چنان که هست، مطلع باشند؛ نقایص را بشناسند و پیشرفتها را بدانند؛ آن‌جا که کمک لازم است، آن را تشخیص بدهند؛ آن‌جا که دشمن به آن توجه پیدا کرده و هدف گرفته است، آن را شناسایی کنند، تا بتوانند نقش صحیح خود را در تداوم این نظام ایفا کنند. (۳۰/۱۱/۱۳۷۰)

✽ اگر چه ما امروز بحمدالله از لحاظ سیاسی، در موضع قوتیم و دشمن - یعنی استکبار - در موضع انفعال قرار دارد؛ اما این به معنای تمام شدن کید و مکر دشمن نیست. «ولن ترضی عنک الیهود ولا النصراری حتی تتبع ملتهم» (۹). البته بر مبنای: «قل ان هدی الله هو الهدی» (۱۰)، جناح حق به خواست دشمن تسلیم نمیشود؛ ولی به هر حال، طبیعت دشمن را باید شناخت. ما نباید هیچ لحظه‌ی از کید دشمن غافل باشیم (۱۱/۱۳۶۸۵)

✽ یکی از اشکالات کار ما، نشناختن وضع زمانه است. بعضیها علم و تقوا هم دارند، اما در عین حال نمیتوانند جایگاه و سنگری را که باید در آن بایستند و کار کنند، بشناسند؛ مثل کسی که در بین جبهه‌ی خودی و دشمن، سنگر و جایگاه خودش را گم میکند و جهت دشمن را اشتباه میکند؛ آتش هم میگیرد، اما گاهی آتش را روی سر دوستان میریزد. نشناختن فضای جغرافیای سیاسی و فکری دنیا و همچنین نقطه‌ی تمرکز و خط نگاه و امتداد تیر دشمن - که از کمان حقد و کینه‌ی او پرتاب میشود - ما را خیلی دچار اشکال میکند. باید در زمینه‌ی علمی کار کنیم؛ در زمینه‌ی سیاسی هم برای خودمان آگاهی درست کنیم؛ خود را پاکیزه کنیم و از لحاظ شخصی هم اهل تزکیه باشیم (بیانات در دیدار علما و روحانیون کرمان ۱۱/۲/۱۳۸۴)

❖ در خودتان بصیرت ایجاد کنید. قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید؛ قدرتی که بتوانید از واقعیتهای جامعه یک جمع‌بندی ذهنی برای خودتان به‌وجود آورید و چیزی را بشناسید. این قدرت تحلیل خیلی مهم است. هر ضربه‌ای که در طول تاریخ ما مسلمانان خوردیم، از ضعف قدرت تحلیل بود. در صدر اسلام هم ضرباتی که خوردیم، همین‌طور بوده که حالا اینها بحثهای تفسیری زیادی دارد. در دوره‌های گوناگون دیگر هم همین‌طور است. نگذارید که دشمن از بی‌بصیرتی و ناآگاهی ما استفاده کند و واقعیتی را واژگونه در چشمان جلوه دهد. (بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در ۱۳/۱۱/۱۳۷۷)

فصل سوم: علل و دلایل دشمنی

❖ علت دشمنیها چیست؟ عده‌ای خیال میکنند مسؤولان انقلاب یا امام رضوان‌الله‌علیه دشمن‌تراشی کرده‌اند؛ نه، قضیه این نیست. سفره‌ای در مقابل بیگانگان پهن بود و بر سر این خوان یغما هر کاری میخواستند، میکردند. انقلاب این سفره را جمع کرده؛ معلوم است دشمن میشوند و کینه بر دل میگیرند و غیظ پیدا میکنند. این انقلاب در دنیای اسلام و دنیای عرب امیدها را زنده کرد. وقتی انقلاب ما پیروز شد، به‌طور کلی دنیای عرب و دنیای اسلام در یک حال رکود و سکوت و نومیدی به‌سر می‌برد؛ صهیونیستها کار خودشان را پیش برده و همه را ترسانده بودند و هیچ ملتی گمان نمیکرد در امیدی برایش باز باشد. ناگهان دروازه عظیم قَرَج گشوده شد و ملت‌ها امید پیدا کردند. صهیونیستها خیال میکردند فلسطین را خورده‌اند و تمام شده است. یک ملت بی‌سلاح محصور در اراضی فلسطین، همه اینها را عاجز و بیچاره کرده است. این روح امیدواری بود که ملت لبنان را بیدار کرد. همان ایام انقلاب ما، لبنان غوغایی بود؛ صهیونیستها هر کاری میخواستند، با لبنان میکردند: حمله میکردند، میکشند، تجاوز میکردند و هواپیماهایشان در آسمان لبنان می‌آمدند و میرفتند؛ مثل این که آسمان کشور خودشان است! در عوض، گروههای لبنانی به جان هم افتاده بودند. نزدیک پیروزی انقلاب، یک نوار دو ساعته از مرحوم دکتر «چمران» آورده بودند؛ بنده در مشهد آن را گوش میکردم. خودش در لبنان بود و جزئیات مصیبت‌های مردم لبنان را در آنجا شرح میداد. الان کار مردم لبنان به جایی رسیده است که به اسرائیل ضربه‌ای میزنند که از اوّل حضور صهیونیستها در این منطقه، هیچ دولت عربی چنین ضربه‌ای به آنها نزده است. دو سال قبل، آنها را وادار به عقب‌نشینی کردند؛ چند هفته پیش هم علی‌رغم صهیونیستها چند صد زندانی خود را آزاد کردند و قدرتمندانه جشن گرفتند. اگر در دل ملتی امید نباشد، این چیزها پیش نمی‌آید؛ این امید را شما دادید. (۲۴/۱۱/۱۳۸۲)

❖ علت دشمنی عمیق و آشتی ناپذیر استکبار و در رأس آنها آمریکا و شبکه ی صهیونیستی دنیا با جمهوری اسلامی، این حرفهائی که گاهی گوشه و کنار گفته میشود - چه چیزهائی که آنها شعارش را میدهند، چه تصوراتی که بعضی در داخل میکنند - نیست. مسئله این است که جمهوری اسلامی یک «نفی» با خود دارد، یک «اثبات». نفی استثمار، نفی سلطه‌پذیری، نفی تحقیر ملت به وسیله ی قدرتهای سیاسی دنیا، نفی وابستگی سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرتهای مسلط دنیا در کشور، نفی سکولاریسم اخلاقی؛ اباحیگری؛ اینها را جمهوری اسلامی قاطع نفی میکند.

یک چیزهائی را هم اثبات میکند: اثبات هویت ملی، هویت ایرانی، اثبات ارزشهای اسلامی، دفاع از مظلومان جهان، تلاش برای دست پیدا کردن بر قله های دانش؛ نه فقط دنباله روی در مسئله ی دانش، و فتح قله های دانش؛ اینها جزو چیزهائی است که جمهوری اسلامی بر آنها پافشاری میکند.(بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۲۴/۹/۱۳۸۷)

❖ مسئله این است که رژیم ایالات متحده ی آمریکا از بعد از جنگ جهانی دوم، داعیه ی ابرقدرتی مطلق دنیا را داشت. البته آن روز شوروی در مقابلش بود، اما این مسئله ی رقابت بین آمریکا و شوروی آن روز صرفاً رقابت بین دو ابرقدرت نبود. آمریکا میخواست بر روی تمام منابع حیاتی عالم دست بگذارد. عملاً هم منطقه ی عظیم و حساسی که به آن خاورمیانه میگویند و شمال آفریقا و خلیج فارس - منطقه ی نفت - در پنجه ی اقتدار آمریکا بود. نفت، خون حیاتبخش تحرک دنیای امروز است. حالا فردا چه بشود، نمیدانیم؛ اما امروز و توی این دنیا، نفت مایه ی تولید، مایه ی گرما، مایه ی نور و روشنائی و در واقع مایه ی حیات برای خیلی از کشورهاست. در وسط این بحبوحه ی روزافزونی اقتدار استکباری و در حساسترین نقطه، انقلاب اسلامی در ایران به وجود آمد که مهمترین شعار این انقلاب مقابله با ظلم و استکبار بود؛ دفاع از حقوق ملتها بود.(۸/۸/۱۳۸۷)

فصل چهارم: ماهیت دشمن

❖ درست مثل زمان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که اشراف فاسد و زورگوها و دشمنان طبقات مظلوم و محروم و کسانی که خودشان به این طبقات ظلم می کردند و منافقان که در دلشان مرض بود، با دعوت پیامبر مخالفت کردند. امروز عینا همان جناحها در برابر جمهوری اسلامی ایستاده اند؛ چون جمهوری اسلامی راه پیامبران را طی می کند. (۲/۱/۱۳۶۹)

❖ کشورهای استکباری میخواهند همیشه زور بگویند بچاپند ثروت و قدرت عالم در اختیار آنها باشد ملتھایی هم باشند که کار کنند زحمت بکشند و منافعشان غارت برود. هر حرکتی که در مقابل آنها بایستد با آن دشمن میشوند و اسلام در مقابل آنها می ایستد. (۲۱/۶/۱۳۶۹)

❖ از دیگر مسائلی که دشمن استکباری را نسبت به جمهوری اسلامی خشمگین میکند، این است که ما با تحمیل فرهنگ غرب بر ملت های مسلمان مخالفیم. فرهنگ غرب فرهنگی است که در عین برخورداری از نقاط مثبت نقاط منفی هم دارد. اما دولتهای غربی، سردمداران نظامهای استکباری و بخصوص نظام آمریکا اصرار دارند با انواع و اقسام طرق فساد و بی بند و باری را که جزو خصوصیات فرهنگ غربی است به ملتھای مسلمان و کشورهای اسلامی تزریق و تحمیل کنند. (۱۴/۳/۱۳۷۲)

❖ مرتّب مشغول تفرقه افکنی و اختلاف اندازی بین ملتھای مسلمانند تا با تحریک قومیتها و ملیتها و عرقها و تعصّبات، هر گروهی را به سمتی بکشند. این نشان دهنده ی آن است که دشمن فهمیده است آگاهی اسلامی و بیداری اسلامی در

محیط مسلمان‌نشین عالم، کار خود را می‌کند. حقیقت هم همین است. یقیناً همین احساس، ملت‌های اسلامی را به سمت نظام اسلامی و به سمت تشکیل امت واحده‌ی اسلامی خواهد کشاند؛ این یک آینده‌ی حتمی است. (۱۰/۴/۱۳۷۸)

❖ دشمن به ما می‌گوید چرا انقلابمان را صادر میکنید ما در جواب دشمن می‌گوییم انقلابمان را صادر نمی‌کنیم انقلاب ما صادر شد و گذشت و تمام شد شما در مقابل یک عمل انجام شده قرار دارید. هر گروه مسلمانی را که در هر نقطه عالم تفکر اسلامی را احیا میکند قبول داریم و حمایت میکنیم قلباً برای آنها دعا میکنیم و از بعد سیاسی در سطح جهان از آنها حمایت می‌نماییم این هم یکی از مسائل است. (۱۴/۳/۱۳۷۲)

❖ امروز دنیای اسلام تشنه‌ی عمل به قرآن است؛ و دشمنان اسلام این را نمی‌خواهند. بدیهی است که دشمنان اسلام صریحاً نمی‌گویند ما دشمن قرآنیم یا دشمن اسلام - «یخادعون الله و الذین امنوا»؛ (۵) آنها با خدا هم خدعه میکنند، با بندگان خدا هم خدعه میکنند - آنها می‌گویند ما طرفدار اسلامیم، اما درست به همان نقطه‌ای که اسلام از ما میخواهد، به آن نقطه حمله میکنند. نمی‌گویند من با قرآن مخالفم، اما با آنچه که محور تربیت و تعلیم قرآنی است، با او مخالفت میکند، (۳/۵/۱۳۸۸)

❖ اینها می‌گویند شما چرا موجب شده اید که در دنیا هر جا مسلمانی هست احساس هویت کند بیدار شود طلبکار شود و از حالت بره‌ای مطیع و رام و زیر کارد بیرون آید (۲۰/۱۱/۱۳۷۴)

فصل پنجم: (اهداف دشمن)

❖ در جبهه یک فرمانده خوب آن کسی است که بتواند بفهمد دشمن از کجا میخواهد حمله کند و این را به نیروهای خودش تفهیم نماید (۲۶/۹/۷۸)

❖ هدف‌هایی که آنها دنبال میکردند، در درجه‌ی اول، سقوط انقلاب و سقوط نظام جمهوری اسلامی بود. هدف اول، براندازی بود. هدف بعدی این بود که اگر براندازی نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند، انقلاب را استحاله کنند؛ یعنی صورت انقلاب باقی بماند، اما باطن انقلاب، سیرت انقلاب، روح انقلاب از بین برود. در این زمینه ...آخرین نمایشنامه‌ی آنها که روی صحنه آمد، همین فتنه‌ی ۸۸ بود. در حقیقت، یک تلاشی بود. یک عده‌ای در داخل، به خاطر حب به نفس، حب به مقام - از این قبیل امراض خطرناک نفسانی - اسیر این توطئه شدند. من بارها گفته‌ام؛ طراح و نقشه‌کش و مدیر صحنه، در بیرون از این مرزها بود و هست.

هدف سوم هم باز این بود و هست که کاری کنند که اگر نظام اسلامی باقی میماند، از عناصر ضعیف‌النفسی که میتوان در آنها نفوذ کرد، استفاده کنند و اینها را در مسائل کشور، در واقع طرف‌های اصلی خودشان قرار بدهند. بالاخره نظامی

به وجود بیاید و ادامه پیدا کند که قدرت کافی نداشته باشد، ضعیف باشد، مطیع باشد - عمده این است که سرسپرده باشد، مطیع باشد - در مقابل آمریکا نایستد، قد علم نکند. اهداف اینهاست. (۱۵/۱۱/۸۹)

❖ هدف دشمنان جهانی اعم از استکبار و در راس آن آمریکا و دیگر خرده ریزیه‌های دشمن در هر نقطه عالم در مخالفت با انقلاب ما این است که با اسلام مبارزه کنند با اسلام مخالفند چون اسلام را موجب بریده شدن پای سگهای ولگردی میدانند که به جان خزائن این کشور افتاده بودند. (۱۹/۱۰/۷۱)

❖ امروز تنها یک راه برای دشمن باقی مانده است آن راه عبارت است از محاصره ی تبلیغاتی. هدف این است که مردم را نسبت به این پایه ی مستحکم ایمانی متزلزل کنند البته مهم هم هست. (۹/۲/۷۷)

❖ فضایی برجسته حوزه نباید گوششان بدهکارتلاش دشمن باشد و باید بدانند که فکر جدید مفاهیم جدید و راههای نو مدد فکری برای پیشرفت این حرکت است (۱۹/۱۰/۱)

❖ دشمنان سراغ مجموعه احکام و مقررات اسلام رفتند هر عقیده هر توصیه ای از شرع مقدس که در زندگی و سرنوشت آینده فرد و جماعت و امت اسلامی تاثیر مثبت بارزی داشته است و به نحوی با آن کلنجار رفتند تا اگر بتوانند آن را از بین ببرند اگر نتوانند روی محتوایش کار کنند (۲۵/۹/۱)

❖ یک وقت می‌بینید ما در داخل جدول و پازل‌های دشمن قرار می‌گیریم... دشمن یک جدولی این جوری درست کرده، برای اینکه یک حرفی از تویش در بیاورد؛ چند تا از این حروف را هم ما بگذاریم! امروز مؤثرترین سلاح بین المللی علیه دشمنان و مخالفین، سلاح تبلیغات است؛ سلاح ارتباطات رسانه‌ای است. امروز این قوی‌ترین سلاح است و از بمب اتم هم بدتر و خطرناکتر است. (۲/۷/۸۸)

❖ امروز یکی از حساسیتهای استعمار و استکبار و آمریکا و صهیونیستهای طراح فساد در عالم عبارت است از اینکه نگذارند کشورهای برخوردار از نظام انقلابی از لحاظ علمی پیشرفت کنند (۲۹/۹/۶۸)

❖ بی شک یکی از مهمترین هدفهای دشمن ایجاد هرج و مرج و آشفتگی و درگیری میان اقشار ملت است. با کمال هوشیاری از تحقق این خواسته ی دشمنان زبون و ابله و پلید جلو گیری کنید. (۲۰/۴/۸۱)

❖ دشمن نباید بتواند با ترویج فرهنگ فساد هر نوع فسادى چه فسادهای مربوط به شهوات جنسى و چه فسادهای مالی و چه انواع و اقسام فسادهای اخلاقی و عملی دیگر این انقلاب را از درون بپوساند (۲۸/۷/۶۸)

❖ غرب می خواهد فرهنگ خود را بر همه جا حاکم کند. فرهنگ غرب، برهنگی است. البته به شما عرض کنم که این برهنگی، این فساد و بی بندوباری و این شکل فضاقت آمیزی که بعضی از زنان در بسیاری از کشورهای غربی دارند، بحمدالله در خود غرب نیز همه گیر نیست. این، کاری است که بر اثر تبلیغات غلط خود آنها، روزه روز افزایش پیدا می کند. (۲۰/۷/۷۳)

<https://jostar.kowsarblog.ir>

❖ اهداف دشمن(دشمن سه هدف مرحله ای و مقطعی را تعقیب می کند. اول، عبارت است از تخریب وحدت ملی؛ یکپارچگی ملت ایران را بشکنند و تخریب کنند. دوم، تخریب ایمان و باورهای کارساز در دل مردم؛ یعنی به تخریب ایمانها و باورها و اعتقاداتی که این ملت را از یک ملت عقب افتاده توسری خور، به یک ملت پیشرو و شجاع و میداندار در دنیا تبدیل کرد، بپردازند. این حرکت، با اعتقادات و باورهای انجام گرفت؛ سوم، تخریب روح امید و تخریب آینده در ذهن مردم. (۲۶/۹/۷۸)

❖ ردید افکنی در ارزشهای اصولی بزرگنمایی مشکلات و نفس موفقیتها از نیازهای قطعی امریکاست. آمریکا به این عوامل و شرایط نیاز دارد تا بتواند موفقیت خود را در تقابل با جمهوری اسلامی تضمین کند هر کس در این زمینه ها به نفع آمریکا کار کند در واقع زمینه سازی میکند برای اینکه آمریکا بتواند مقاصد خودش را ولو با شیوه نظامی یا شبه نظامی نسبت به ملت ایران انجام دهد. (۲۲/۲/۰۸)

❖ دشمن وقتی میتواند به هدفهای خودش برسد که بتواند در بدنه حاکمیت نظام و در مسئولان بخشهای مختلف اختلاف و شکاف ایجاد کند. دشمن دنبال این قضیه است. درگیری در سطوح بالای حکومت همان چیزی است که دشمن آن را میخواهد و آن را به جد تعقیب میکند (۲۶/۱۲/)

❖ دشمن می خواهد افکار عمومی را در اختیار گیرد. شما باید نگذارید که او افکار عمومی ملت خودتان و ملت های دیگر را - تا هر جایی که صدای شما می رسد - در اختیار گیرد. شما امروز حادثه ای مثل حادثه ی فلسطین را ببینید که دیگر در آن جا جبهه ی حق و باطل معلوم است. شما ببینید همین را جماعت طرفدار حضور اسرائیل در این منطقه - امریکا و خود صهیونیستها و بعضی دولتهای دیگر - چگونه در افکار عمومی دنیا عوض کرده اند! یعنی افکار عمومی را طوری تغییر داده اند که امروز در مقابل این حوادث تلخ در دنیا حرکت مهمی انجام نگیرد. اگر ما بتوانیم یک کار رسانه ای درست انجام دهیم، می توانیم این صحنه ی باطل را لااقل تا حدودی به صحنه ی حق تبدیل کنیم؛ یعنی در افکار عمومی دنیا کار را طوری پیش ببریم که واقعاً قضیه بعکس شود. (۱۴/۱۱/۸۱)

❖ برای به زنجیر کشیدن یک ملت هیچ چیزی ممکنتر و سهلتر از این نیست که قدرتمندان عالم بتوانند باورهای آن ملت و آن کشور را بر طبق نیازهای خودشان شکل دهند (۹/۱۲/۷۹)

ملت ما را با تبلیغات پیوسته از فرهنگ خود از اعتماد به خود تهی کرده بودند ملت ما را به خود بی اعتماد و ناامید کرده بودند ملتی با این سابقه تاریخی در این موقعیت حساس جغرافیایی با این همه استعداد انسانی و طبیعی نهفته در این سرزمین تبدیل شده بود به وسیله ای برای استفاده و بهره برداری قدرتهای بیگانه مدتی انگلیس بعد هم آمریکا اما این انقلاب ما را بیدار کرد (۱۸/۱۱/۸۴)

❖ در قضیه‌ی قومیتها، که دشمنان کمین گرفته‌اند؛ پشت خم کرده‌اند تا بلکه بتوانند به نحوی بین قومیت‌های ایرانی که در طول تاریخ در کنار هم زندگی کردند، اختلاف ایجاد کنند، باید هوشیارتر و مواظب‌تر باشید. اینها آن نقطه‌هایی است که دشمن می‌خواهد ازشان استفاده کند. باید در مقابل اینها ایستاد. (۲۴/۶/۷۱)

❖ علاوه بر امنیت اخلاقی و فرهنگی که چند سال است دشمن روی آن با شدت کار می‌کند - که مکرر به عنوان هشدار به مسؤولان، ته‌اجم فرهنگی دشمن را یادآور شده ایم - و علاوه بر امنیت سیاسی که دشمن در حرکت سیاسی کلان نظام می‌خواهد اختلالاتی ایجاد نماید، امروز در صدد است امنیت اجتماعی و مدنی مردم را از بین ببرد. (۷/۴/۸۲)

❖ امروز دشمن چشمش به نقطه‌ی حساس اقتصادی است تا بلکه بتواند این کشور را از لحاظ اقتصادی دچار اختلال کند (دیدار با مردم شیراز ۱۱/۲/۸۷)

فصل ششم: شیوه‌ها و ابزارهای دشمن

❖ عقبه ما، در مبارزه ملت ایران با قلدری استکبار جهانی، عبارت بود از «فرهنگ» ما. منطقه عقبه ما عبارت بود از اخلاق اسلامی، توکل به خدا، ایمان و علاقه به اسلام. یعنی علاقه آن مادری که چهار پسرش شهید شده‌اند و می‌گوید من اینها را در راه اسلام دادم، و به این راضی است. دشمن فهمید تا آن عقبه هست، این ملت را با محاصره اقتصادی و با محاصره نظامی و یا چه و چه، نمی‌شود به زانو درآورد. پس، آن عقبه را باید بمباران کرد؛ و شروع کرد.

❖ دشمنان سراغ مجموعه احکام و مقررات اسلام رفتند - هر عقیده، هر توصیه‌ای از شرع مقدس که در زندگی و سرنوشت آینده فرد و جماعت و امت اسلامی تأثیر مثبت بارزی داشته است - و به نحوی با آن کلنجار رفتند، تا اگر بتوانند، آن را از بین ببرند؛ اگر نتوانند، روی محتوایش کار کنند! ۲۵/۹/۱۳۷۶

❖ تکلیف ما این نیست که بگوییم: «ما گفتیم؛ هر کس می‌خواهد، عمل بکند». این مربوط به این دوره نیست که حکومت به دست مسلمین است؛ دوره‌یی که بار اداره‌ی جامعه بر دوش ماست؛ بخصوص دوره‌یی که دشمن این همه تلاش می‌کند، تا مفاهیم اسلامی را از ذهنها بزداید. تکلیف ما فقط این نیست که حالا مطلبی را گفتیم؛ شد، شد؛ نشد، نشد؛ ما فقط بایستی حرفمان را بزنیم؛ این‌گونه نیست. ما بایستی حرف خود را به دلها برسانیم؛ «و ما علی‌الرّسول الالبلاغ» (۵). این که چیزی را در هوا پرتاب کنیم، کسی گرفت، گرفت؛ نگرفت، نگرفت؛ به جایی رسید، رسید؛ نرسید، نرسید؛ این قبول نیست. من این را به عنوان یک مشکل مشاهده می‌کنم. ۲۵/۶/۱۳۷۰

❖ امام عملاً نشان داد که اسلام سیاسی، همان اسلام معنوی است. در طول دوران استعمار، دشمنان اسلام و دشمنان بیداری ملت‌های اسلامی، تبلیغ می‌کردند که اسلام معنوی و اسلام اخلاقی از اسلام سیاسی جداست. امروز هم همین را تبلیغ می‌کنند. سیاست را از معنویت جدا کردن؛ یعنی اگر کسی می‌خواهد مسلمان باشد، باید سر خود بگیرد و گوشه

ای بنشیند و به این که دشمن چه می کند، متجاوز چه می کند، اشغالگر چه می کند، کاری نداشته باشد. امروز هم این را تبلیغ می کنند. (۱۴/۳/۸۲)

❖ دشمن چند نکته را برحسب تجربه فهمید و دانست که اینها نقاط اصلی پیشرفت انقلاب اسلامی است و باید با اینها مقابله کند. یک نکته، امام، آن رهبر عجیب، استثنایی و عظیم‌القدر بود. دشمن متوجه شد که نفوذ رهبری در ایران اسلامی چه می‌کند و چگونه این رابطه‌ی محبت آمیز میان رهبر و ملت، در میدانهای مختلف گره‌گشا و باز کننده راه‌هاست. دشمن دید که نفوذ امام رضوان‌الله تعالی علیه، چگونه مردم را در همه‌ی میدانها، مقابل دشمن بسیج می‌کند. این، نکته‌ای بود که دشمن روی آن تکیه کرد. تجربه‌ای که دشمن پیدا کرد این بود که باید شخص امام امت رضوان‌الله تعالی علیه و مطلق رهبری اسلامی - یعنی همان چیزی که در معارف انقلاب و معارف اسلامی با عنوان «ولایت فقیه» شناخته شده است - را زیر سؤال ببرد. لذا بیشترین تبلیغات دشمن، علیه امام بود. (۱۸/۱۱/۱۳۷۱)

❖ هر انسان هوشمندی، وقتی توجه می‌کند که اولاً شروع این نهضت و پیروزی آن، ثانیاً بقای جمهوری اسلامی و مضمحل نشدن آن و ثالثاً مستقیم حرکت کردن جمهوری اسلامی و انحراف نشدن آن، به برکت دین و رهبری دینی است، پشت سر آن، یک نکته‌ی دیگر را هم می‌فهمد و آن نکته این است که دشمنان انقلاب اسلامی، چه در خارج و چه در داخل، سعی می‌کنند دین و رهبری دینی را از این انقلاب بگیرند. این، یک امر قهری است. (۱۹/۱۰/۱۳۷۱)

❖ پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و گسترش فکر آن در سراسر آفاق اسلامی، یکی از ترفندهای استکبار در مقابله با این موج همه‌گیر اسلامی این بوده است که از سویی انقلاب اسلامی ایران را یک حرکت شیعی به معنای فرقه‌یی آن - و نه اسلامی به معنای عام - معرفی کرده، و از سوی دیگر، در ایجاد نفاق و تقار میان شیعه و سنی سعی بلیغ کنند. (۲۶/۳/۷۰)

❖ امروز مسؤولیت من و شما خیلی خطیر است. اولین کار، استحکام داخلی است. نباید بگذارید این مباحثات و بگومگوها به مقابله و مواجهه و تخاصم تبدیل شود! امروز یکی از مهمترین شگردهای دشمن این است که بگوید در داخل نظام جمهوری اسلامی دو دستگی است و این دو دسته با هم بدند. دو صدایی و چند صدایی که شما می‌گویید و بنده هم معتقدم، نمی‌گوید. بحث چند صدایی نیست؛ چند صدایی همه جا هست. می‌گوید مخاصمه و دشمنی؛ یعنی فرض می‌کند یک گروه، گروه دیگر را می‌خواهد نابود کند! این گونه تصویر می‌کند. نگذارید این تصویر سازی مطلوب دشمن تحقق پیدا کند؛ این را مراقب باشید. بحث و مجادله و مباحثه و گفتگو را طلبگی انجام دهید. امام هم مکرر به ما می‌فرمود. واقعیت هم همین است که در محیطهای طلبگی، گاهی دو طلبه دعوا و جنجال می‌کنند؛ عصبانی می‌شوند، اما وقتی مباحثه تمام می‌شود، با یکدیگر ناهار و چایی می‌خورند و «لم یکن شیئاً مذکوراً»! (۴/۴/۸۷)

❖ دشمنان انقلاب، دشمنان نظام جمهوری اسلامی چند خط را دنبال می‌کنند که این در تبلیغاتشان و در کاری که انجام می‌دهند واضح هم هست. یکی این است که نشانه‌های امید را مخدوش کنند. یعنی همه این نقاط مثبت این قله

<https://iostar.kowsarblog.ir>

نشریه الکترونیکی دستاوردها و اخبار پژوهشی مدرسه علمیه خاوران امام حسین علیه السلام (تهران)

های برجسته ای که همه اش امیدافزا است اینها را سعی میکنند در چشمها کمرنگ کنند متقابلاً نقاط ضعف کوچکی که حتماً وجود دارد بزرگ کنند یا نقاط ضعف را نمی گوئیم هم کوچک نقاط ضعفی وجود دارد بزرگنمایی کنند. به زور میخواهند این یاس را به جامعه القا کنند (۲/۷/ ۱۳۸۸)

❖ امام بزرگوار، مکرّر می فرمود که گاهی دشمن با ده واسطه، یک نفر را تحریک می کند که حرفی بگوید، یا کاری را انجام دهد! اگر شما بخواهید دشمن را بشناسید، باید ده واسطه را طی کنید و بروید. دشمن انقلاب در ایران - یعنی ایادی استکبار جهانی - راحت می توانند ده واسطه پیدا کنند و خودشان را در حوزه قم، به بیچاره ای برسانند و او را به حرفی، به گفته ای و به یک موضعگیری غلط و ناشیانه وادار کنند! (۵/۹/۷۶)

❖ اجزای نقش ی دشمن چه چیزهایی است؟ اولاً تا آنجا که بتوانند زورشان برسد و تیغشان ببرد مشکلات اقتصادی برای کشور درست کنند و بتراشند تحریم اقتصادی کنند و به مجازات شرکتها بپردازند و به طور خلاصه مشکلات اقتصادی برای کشور درست کنند در کنار این در تبلیغات خودشان نسبت به مسائل اقتصادی کشور بزرگنمایی هم بکنند. پس بزرگنمایی در مورد مشکلات اقتصادی بخش دیگری از توطئه است. (۱/۱/۷۸)

❖ باید هوشیار بود. نباید در نیروی دشمن مبالغه کرد و نباید هم دشمنی و کید او را نادیده گرفت؛ باید مراقب بود. امیرالمؤمنین فرمود: «والله لا اکون کالضبع تنام علی طول اللدم». معروف است بین عربها که گفتار را وقتی می خواهند صید کنند، پایکوبی می کنند و آهنگی می خوانند که خواب آور است. گفتار را با آهنگی در لانه اش می خوابانند و وقتی خوابید، به سراغش می روند. حضرت امیرالمؤمنین می فرماید: «والله لا اکون کالضبع» من آن گفتاری نیستم که مرا با پایکوبی آوازه خوانی بخوابانند و هر کار می خواهند، بکنند. (۷/۳/۸۲)

فصل هفتم: برنامه ریزیهای دشمن

❖ بعد از دوران قرون وسطی که در دنیای مغرب زمین و مسیحیت، تهاجم تبلیغاتی وسیعی نسبت به شخصیت رسول اکرم(ص) انجام گرفت و دشمنان سوگندخوردهی اسلام فهمیدند که یکی از راههای مبارزه با اسلام این است که چهره ی نبی مکرّم اسلام(صلی الله علیه و آله و سلم) را مخدوش بکنند. مردم بسیاری در دنیا هستند که اگر پیامبر اسلام را به همان اندازه یی که مسلمانها میشناسند یا حتی کمتر از آن بشناسند - یعنی حقیقتاً فقط شبحی از آن چهره ی منور بر دلهای آنان آشکار بشود - عقیده و گرایش آنها نسبت به اسلام و معنویت اسلامی تضمین خواهد شد. ما باید روی این مسأله کار کنیم. ۲۴/۷/۶۸

❖ یکی از مسائلی که دشمن به طور جدّی در کشور تبلیغ می کند، مسأله اباحیگری است. اباحیگری اعتقادی و عملی، یعنی پایبندیها و تقیّدات و تکیه گاههایی که یک انسان را در حرکت خود به سمت هدف مشخصی عازم و مصمم می کند، از او گرفتن و او را سرگردان و لنگ کردن. اینها می خواهند اصل اعتبار انقلاب را زیر سؤال ببرند؛ انقلابی که یکی از افتخارات تاریخ بشری در زمان ماست؛ انقلابی که یک ملت با دست خالی و به برکت ایمان، آن هم در مقابل یک دژ

علی الظاهر تسخیرناپذیر استکبار در این منطقه آن را بر پا کرد و موفق شد؛ انقلابی به نام خدا؛ انقلابی در راه ارزشهای اسلامی. متأسفانه - یک عده غافل، به صورت پادو در داخل هم همانها را تبلیغ کردند و هنوز هم می کنند. مظهر این تهاجم، همان اباحیگری است که از راه خدشه در اعتقادات، تشویق جریانهای خلاف اخلاق در جامعه و تشویق و ترویج انواع و اقسام فسادها ایجاد می شود. اینها چیزهایی است که همه مسؤولان کشور باید به آن بسیار توجه کنند و فقط مخصوص مسؤولان فرهنگی نیست. ۱۱/۵/۸۰

❖ وقتی شما می بینید فرضاً یک موجود منحرف دوجنسی بدون اینکه یک هنر فوق العاده برجسته ای داشته باشد، یکهو اول در تمام رسانه های آمریکائی و بعد غربی، اسم و رسم پیدا میکند و مجلات معتبر و پرتیراژ غربی عکسهای او را، زندگینامه ای او را، سنین مختلف او را، شکل های گوناگون زنانه و مردانه ای او را منعکس میکنند، این را نمیشود حمل بر یک امر تصادفی کرد؛ این، فکر شده است. اینها الگوسازی هائی است برای منحرف کردن نسل های بشری. آماج حمله هم فقط ایران نیست. آن چیزی که سالها قبل به عنوان پروتکل های صهیونیستی در دنیا منتشر شد و به زبانهای مختلف ترجمه شد؛ که یکی از مواد آن پروتکلها این بود که باید نسل های بشری از رویه ها و روشهای انسانی متعارف دور بشوند؛ دچار انحرافات اخلاقی بشوند. ما نیاز داریم برای جوان خودمان، برای نسل نونهال خودمان، الگوهای را از بخشهای مختلف مشخص کنیم. ۲۶/۷/۹۰

❖ آدمهای کوتاه فکر گمان نکنند که دشمنان اسلام از دشمنی با نظام اسلامی و ملت مسلمان دست برداشته اند... آنها به وسیله ی رشد دادن عناصر خائنی که به انقلاب و ملت و کشور پشت کردند و با دشمنان ساختند و مزدور دشمن شدند، با ما خصومت می کنند. این کارها را بعد از دوران جنگ هم، به همان اندازه که در دوران جنگ انجام دادند - و بلکه بیشتر - انجام می دهند. ۲۹/۷/۷۱

❖ چرا غرب آسیا ؟ فاتحان جنگ بین الملل اول و دوم که عمدتاً چند کشور اروپائی و آمریکا بودند، اینها برای این منطقه ی مهم خاورمیانه یک سیاست تثبیت شده ای داشتند؛ چون این منطقه، هم از لحاظ موقعیت سوق الجیشی مهم است، منطقه ی اتصال آسیا و اروپا و آفریقا، هم یکی از بزرگترین انبارهای نفت عالم است. هم از لحاظ ملتها، اینجا دارای ملت های کهن، ریشه دار و با سوابق تاریخی است؛ لذا برای این منطقه یک سیاستی را اتخاذ کردند. آن سیاست عبارت بود از اینکه در این منطقه باید کشورهایی، واحدهای سیاسی ای وجود داشته باشند که این خصوصیات را داشته باشند؛ اولاً ضعیف باشند؛ ثانیاً با یکدیگر دشمن باشند، مخالف باشند، با هم کنار نیایند، نتوانند اتحاد بکنند. حکامشان از لحاظ سیاسی، دست نشانده باشند، مطیع باشند، زیر بار قدرتهای غربی بروند، حرف گوش کن باشند؛ رابعاً از لحاظ اقتصادی مصرف کننده باشند؛ یعنی نفتی را که تقریباً مفت از چنگ اینها خارج میکنند، پول همان نفت را باز خرج واردات کنند، خرج مصرف کنند تا کارخانه های غربی رونق بگیرد؛ خامساً از لحاظ علمی عقب افتاده باشند، اجازه ی پیشرفت علمی به آنها داده نشود. . با این تحلیل میشود رفتار رضاخان را درست فهمید، رفتار محمدرضا را فهمید، رفتار مصطفی کمال ترکیه و دیگران و دیگران را فهمید. ۱۵/۱۱/۸۹

❖ دشمن منتظر نشسته است که ببیند در جمهوری اسلامی چه حادثه کوچکی ممکن است اتفاق بیفتد، تا بشود با صد من سریشم، چیز بدی را به آن چسباند و برای مردم ما تلخ کرد و چهره ملت ایران را در دنیا مشوه نمود. ۷/۳/۷۶

❖ یکی از بخشهای مهم سیاست استکبار در همین منطقه ی مایین است که این سران بعضی از کشورهای عربی را با خودشان همراه کنند و آنها را در مقابل ملت ایران قرار بدهند. دشمن دل مردم- را نمیتواند از جمهوری اسلامی برگرداند؛ دلها را که نمیتواند؛ حداکثر کاری که بکنند این است که بتوانند دولتها را در مقابل جمهوری اسلامی قرار بدهند. چه چیزی میتواند دلهای دنیای اسلام را از جمهوری اسلامی و از ملت ایران جدا کند؟ همین اختلافها و تعصبات مذهبی است. ۲۷/۹/۸۷

❖ یکی از کارهای استعمارگران در جوامع اسلامی، این بوده است که خواسته‌اند کاری کنند که مردم مسلمان، در هر طبقه و رتبه‌ای از اهمیت و مسؤولیت در زندگی و جامعه، خودشان را به ارزشهای غیر اسلامی نزدیکتر کنند. متأسفانه، آنها در اکثر مناطق اسلامی، در طول سالهای استعمار و ورود فرهنگ استعماری به کشورهای اسلامی، موفق هم شدند. لباسها را عوض کردند، رفتارها را عوض کردند، آداب زندگی را عوض کردند، بینشها را عوض کردند و مسلمانان را از اسلام دور، و به آنچه که ضد اسلام و غیر اسلام است، نزدیک نمودند. ۸/۳/۷۳

از راههای دیگری که دشمن امروز سعی می‌کند در میان مردم ما نفوذ پیدا کند، شایعه‌پراکنی است. اگر کسی به این تبلیغاتی که دشمنان از راههای مختلف القا می‌کنند، گوش کند، به نظرش می‌رسد که در ایران همه چیز در سراشیب سقوط است! انگاری می‌خواهند همه‌ی امیدها را پایان یافته وانمود و قلمداد کنند. اف بر این دشمنان خیبت. ۳۰/۵/۷۰

❖ آماج دشمن، خواص است. می‌نشینند طراحی می‌کنند تا ذهن خواص را عوض کنند؛ برای اینکه بتوانند مردم را بکشاند؛ چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند. به نظر من یکی از وظائف اصلی امروز ما و شما، همین است: ما بصیرت خودمان را در مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم ان شاءالله بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد بکنیم. ۲/۷/۸۸

گردآورنده : معاونت پژوهش مدرسه علمیه امام حسین علیه السلام

باهمکاری سرکار خانم مریم شاهی (طلبه سطح ۲)